



تفسیر آیات مشکل

درس ۱۲

استغفار ابراهیم بر پدرش

استاد: آیت الله یعقوب جعفری

کارشناسی ارشد

مقدمه

طلب استغفار از جمله موضوعاتی است که در آیات و روایات بسیاری به آن سفارش شده و تأکیدات فراوانی درباره آن وارد شده است. از مراتب استغفار، طلب استغفار برای دیگران است که به آن توصیه شده است. اما درباره یک گروه نه تنها طلب استغفار سودی ندارد، بلکه مؤمنین و شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) از استغفار برای آن‌ها منع شده‌اند. از آنجایی که مشرکین کسانی هستند که وعده عذاب الهی درباره آن‌ها قطعی است، شایسته نیست که مؤمنان بر مشرکان طلب آمرزش کنند، هرچند که خویشان آنان باشند. در این درس شبهه طلب استغفار ابراهیم برای پدرش که آیه محل بحث است، مطرح می‌شود.

محتوای آموزشی

«ما كان للبيِّ والَّذين آمنوا أن يستغفروا للمُشركينَ ولو كانوا أولى قُربى من بعد ما تبين لهم أنهم أصحاب الجحيم. وما كان استغفار إبراهيم لأبيه إلا عن موعدةٍ وعدها إياه فلما تبين له أنه عدو لله تبرأ منه إن إبراهيم لأواهٌ حليمٌ.» (توبه، ۱۱۳-۱۱۴)

به پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند، شایسته نیست که بر مشرکان طلب آمرزش کنند، هرچند که خویشان آنان باشند، پس از آن‌که برایشان روشن شد، که آنان اهل دوزخ هستند. طلب آمرزش ابراهیم بر پدر خود جز به خاطر وعده‌ای که به او داده بود صورت نگرفت، پس چون بر وی روشن شد که او دشمن خداست، از وی بی‌زاری جست، همانا ابراهیم بسیار تأسف خورنده بردبار بود.

لغت و اعراب

- ۱- «اولی قریبی» صاحبان نزدیکی، خویشان نزدیک. «قریبی» مؤنث «اقریب» است.
- ۲- «الجحیم» دوزخ از «جحمة» به معنای شدت شعله‌ور شدن آتش. به کسی که بسیار خشمگین باشد نیز جحیم گفته می‌شود، گویا که آتش غضب در وجود او شعله می‌کشد.
- ۳- «موعدة» اسم مصدر از وعد یعد است.
- ۴- «وعدها اياه» ضمیر فاعلی به ابراهیم و ضمیر مفعولی به پدر ابراهیم برمی‌گردد، یعنی ابراهیم به او وعده داده بود، که برای او طلب آمرزش خواهد کرد و می‌تواند برعکس باشد، یعنی منظور این باشد که پدر ابراهیم به او وعده داده بود که ایمان خواهد آورد و ابراهیم برای تشویق او استغفار می‌کرد.
- ۵- «اواه» بسیار تأسف کننده، کسی که زیاد آه می‌کشد، کسی که دل‌سوزی می‌کند، صیغه مبالغه از «أوه» است که



اسم صوت به معنای آه کشیدن و تأسف خوردن است.

تفسیر

ممنوعیت استغفار بر مشرکان

با اعلام برائتی که در آغاز این سوره (سوره توبه) از مشرکان شد و آیاتی درباره سخت‌گیری و شدت عمل در حق مشرکان نازل گردید، اکنون خاطرنشان می‌سازد که زنده و مرده مشرکان یکی است و برای مرده آنان هم نباید دل‌سوزی کرد و از خدا طلب آمرزش نمود.

می‌فرماید: بر پیامبر و مؤمنان شایسته نیست بر مشرکان طلب آمرزش کنند، اگرچه نزدیکان و خویشان آن‌ها باشند، پس از آن‌که دانستند که آنان اهل جهنم هستند.

این آیه ناظر بر کار کسانی است که بعضی از خویشان آن‌ها مشرک از دنیا رفته بودند و اینان از سر دل‌سوزی، برای آنان از خدا طلب آمرزش می‌کردند، تا حداقل تخفیفی در عذاب آنان باشد. این آیه به‌طور کلی رابطه عاطفی میان مسلمان و مشرک را، حتی پس از مرگ او قطع می‌کند، مشرک اگر چه نزدیک‌ترین خویشاوند باشد، شایستگی دل‌سوزی ندارد و باید تمام پیوندها قطع شود و مشرک آن‌چنان از رحمت خدا دور است که اگر پیامبر هم در حق او طلب آمرزش کند، خدا او را نخواهد آمرزید. و این همان مطلبی است که درباره منافقان گفته شد:

«إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ» (توبه، ۸۰)

اگر هفتاد بار هم برای آن‌ها طلب آمرزش کنی، خدا آنان را نخواهد آمرزید.

در واقع طلب مغفرت برای کسی که دشمن خداست و خدا اراده کرده او را عذاب کند، یک نوع مقابله با اراده حتمی خدا می‌باشد و علاوه بر این که سودی ندارد و خدا آن شخص را نمی‌آمرزد، می‌توان آن رایک نوع اسائه ادب در برابر ذات الهی به‌شمار آورد.

تعبیر «ماکان» در اول آیه، دلالت بر نفی مؤکد دارد، که از نفی مستقیم بالاتر است، چون در این تعبیر شأن پیامبر و مؤمنان از این کار بالاتر دانسته شده است. همان‌گونه که در آیه «مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ» (توبه، ۱۷)، نفی از باب شأنیت است، یعنی انجام این کار در صلاحیت مشرکان نیست.

طبق آیه شریفه، نفی استغفار مربوط به زمانی است که پیامبر و مؤمنان یقین پیدا کرده‌اند که آن شخص اهل جهنم است. چگونه می‌توان درباره اشخاص به این یقین رسید؟ این یقین یا از طریق وحی حاصل می‌شود، و یا انسان در لحظه‌های آخر عمر آن شخص نزد او باشد و ببیند که او مشرک از دنیا رفت. بنابراین، استغفار بر مشرکی که امید بر هدایت او وجود دارد، مورد نفی نیست.

به همین جهت است که پیامبر در جریان شکسته شدن دندان‌ش توسط مشرکان در جنگ احد، برای آنان طلب

مغفرت کرد و گفت: «اللهم اغفر لقومی فانهم لا یعلمون»^۱ این بدان جهت بود که هنوز بر هدایت آن‌ها امید داشت.

در بعضی از تفاسیر اهل سنت، برای این آیه شأن نزولی گفته شده که جعلی بودن آن آشکار است و آن این‌که پیامبر در زمان احتضار عمویش ابوطالب، بالای سر او حاضر شد و به او پیشنهاد کرد، شهادتین را بگوید و مسلمان شود، ولی او نپذیرفت و گفت: من بر دین عبدالمطلب هستم و از دنیا رفت. پیامبر فرمود: تا وقتی که از جانب خدا نهی نشده‌ام، همواره برای او طلب مغفرت خواهم کرد. پس این آیه نازل شد.^۲

معلوم است که ابوطالب پیش از هجرت در مکه از دنیا رفت و سوره توبه در جریان برائت از مشرکان در سال نهم هجرت نازل شده است. باتوجه به این مطلب، روشن است که این شأن نزول صحیح نیست. البته بعضی از علمای اهل سنت برای تصحیح آن تلاش کرده‌اند و احتمالاتی داده‌اند که حتی برای محققان از اهل سنت قابل قبول نیست و بسیاری از آن‌ها این شأن نزول را رد کرده‌اند. به‌عنوان نمونه زمخشری آن را ناصحیح و ابن عاشور آن را واهی توصیف کرده‌اند و فاصله طولانی میان مرگ ابوطالب و زمان نزول این آیه را دلیل بر ضعف آن شأن نزول دانسته‌اند و آن توجیهاات را نپذیرفته‌اند.^۳ و برخی از آنان علاوه بر آن فاصله طولانی، ضعف‌های دیگری را هم عنوان کرده‌اند. مؤلف التفسیر الحدیث می‌گوید: مناسبت میان وفات ابوطالب و نزول این آیات بعید است و از آن گذشته، آیه فقط درباره پیامبر نیست، بلکه مؤمنان را هم شریک قرار داده و این سبب می‌شود که در آن توقف کنیم. حتی اگر حدیث مربوط به ابوطالب صحیح هم باشد، از خود پیامبر نقل نشده، بلکه سخن شخصی به نام سعیدبن مسیب است و برای ما حجت نیست.^۴

استغفار ابراهیم بر آزر و تبری از او

باتوجه به مضمون این آیه که پیامبر و مؤمنان را از استغفار بر مشرکان نهی می‌کند، ممکن است این پرسش پیش آید که اگر طلب آمرزش برای مشرکان ممنوع است، پس چگونه ابراهیم بر عمویش که به او پدر می‌گفت و مشرک بود، از خدا طلب آمرزش کرد؟ به‌طوری که در این آیات آمده است:

«إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ» (ممتحنه، ۴)

مگر سخن ابراهیم به پدرش که برای تو طلب آمرزش می‌کنم و برای تو از خدا چیزی را مالک نیستم.

۱. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۱۶۶؛ بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۱۱۷.

۲. طبری، جامع البیان، ج ۱۱، ص ۳۰؛ سیوطی، الدر المنثور، ج ۳، ص ۲۸۲.

۳. الکشاف، ج ۲، ص ۳۱۵؛ التحریر والتنویر، ج ۱۰، ص ۲۱۵.

۴. دروزه محمد عزت، التفسیر الحدیث، ج ۹، ص ۵۴۲.

«وَ اغْفِرْ لَأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ» (شعراء، ۸۶)

(به نقل از ابراهیم) و پدرم را بیامرز که او از گمراهان است.

در ذیل آیات مورد بحث، این پرسش را پاسخ می‌دهد که استغفار ابراهیم بر پدرش به سبب وعده‌ای بود که به او داده بود ابراهیم به او وعده داده بود که برای او از خدا طلب آمرزش خواهد کرد، تا او تشویق شود و به خدا ایمان بیاورد. ابراهیم به این وعده خود عمل کرد، ولی او ایمان نیاورد و در حالت شرک باقی ماند و چون بر ابراهیم از طریق وحی روشن شد که او دشمن خداست و هرگز هدایت نخواهد شد، از وی بیزاری جست و دیگر برای او طلب آمرزش نکرد. در پایان آیه می‌فرماید: ابراهیم بسیار تأسف خورنده و بردبار بود، یعنی او برای همه دل‌سوزی می‌کرد و می‌خواست به هر نحوی که شده مشرکان ایمان بیاورند.

موضوع استغفار ابراهیم بر آزر، چندین مرحله داشته است، در مرحله اول جهت تشویق او به ایمان آوردن، به او وعده استغفار می‌دهد: «سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي» (ممتحنه، ۴) در مرحله دوم که هنوز ایمان نیاورده و از گمراهان است، ولی از هدایت یافتن او مأیوس نشده، از خدا برای او طلب آمرزش می‌کند: «وَ اغْفِرْ لَأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ» (شعراء، ۸۶) و در مرحله سوم وقتی از ایمان آوردن او مأیوس می‌شود و یقین حاصل می‌کند که او دشمن خداست، طبق آیه مورد بحث، از وی تبری می‌جوید و دیگر استغفار نمی‌کند.

استغفار ابراهیم در اواخر عمرش بر پدر واقعی

برپایه آیه مورد بحث، ابراهیم به علت مشرک بودن آزر که به او پدر خطاب می‌کرد، از او تبری جست و به فرمان خدا دیگر برای او استغفار نکرد. این در حالی است که او در دوران پیری خودش که اسحاق و اسماعیل به صورت دو جوان در خدمت او بودند، بر پدرش استغفار کرد. به طوری که در این آیه آمده است:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ. رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ. رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ.» (ابراهیم، ۳۹-۴۱)

سپاس خدا را که با وجود پیری، اسماعیل و اسحاق را به من بخشید، همانا پروردگارا من شنونده دعاست. پروردگارا مرا برپادارنده نماز قرار بده و از نسل من نیز. پروردگارا دعای مرا بپذیر. پروردگارا در روزی که حساب برپا می‌شود، من، پدر، مادرم و مؤمنان را بیامرز.

با کنار هم گذاشتن این آیات و آیات قبلی، به این نتیجه قطعی می‌رسیم که کسی که ابراهیم به خاطر مشرک بودنش از وی تبری جست، پدر واقعی و صلبی او نبود و پدر صلبی او کسی بود که در اواخر عمرش برای او استغفار کرد و قطعاً مشرک نبود، وگرنه برای او استغفار نمی‌کرد.

توجه کنیم که در این‌جا کلمه «والدی» می‌آورد، که جز به پدر و مادر اصلی و صلبی اطلاق نمی‌شود، ولی در آن

آیه که پس از استغفار، بیزاری می جوید، کلمه «اب» آمده، که در عربی به عمو و بزرگ خاندان هم گفته می شود. حتی این کلمه بر سر کلماتی به مفهوم خوب یا بد هم می آید و دلالت بر تلبس شخص با آن صفت می کند، مثل ابوالمجد، ابوالمعالی، ابوالفضائل و یا ابولهب، ابوجهل و مانند آنها. بنابراین، باتوجه به این که ابراهیم از آزر تبری کرده بود و از آن زمان به بعد مسلماً برای او طلب آمرزش نکرده، به خوبی روشن می شود که آزر که مشرک بود، پدر واقعی ابراهیم نبود، بلکه پدر واقعی او مؤمن بود که ابراهیم در اواخر عمرش برای او طلب آمرزش کرد.

تأملی درباره مفهوم استغفار

استغفار و توبه هرچند مفهومی متقارب دارند، ولی میان آنها تفاوت هایی وجود دارد. توبه بازگشت به سوی خدا همراه با پشیمانی از ارتکاب گناه و به امید بخشیده شدن آن است، ولی استغفار مفهومی گسترده دارد. استغفار طلب آمرزش است، اما نه فقط از گناهایی که مرتکب شده، بلکه از هر نوع قصور و تقصیر و ترک اولائی که سر زده، حتی طلب آمرزش از کارهای خیری که انجام داده درحالی می توانست بهتر از آن را انجام بدهد، یا کارهایی که موظف به انجام آن نبود، ولی می دانست که آنها مورد پسند خدا بود، یا گناهایی که از گناه بودن اطلاع نداشت و از روی غفلت و ناآگاهی انجام داد. در واقع کسی که استغفار می کند، می خواهد پاک، خالص و سبکبار باشد و از آثار گناهان کرده یا ناکرده، مصونیت یابد و اساساً استغفار یک نوع دعا و ذکر به حساب می آید که به وسیله آن، بنده در برابر خدا عذر تقصیر می آورد. به خاطر همین معنای خاصی که استغفار دارد، انسان می تواند هم درباره خودش و هم درباره دیگران، حتی مردگان استغفار کند و آن پاک و سبکباری را برای آنها هم طلب کند، درحالی که هیچ کس نمی تواند از طرف کس دیگری توبه کند.

حتی در آیات و روایات، از استغفار فرشتگان درباره افراد خاص، خبر داده شده:

«الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا» (غافر، ۷)

کسانی که عرش خدا را حمل می کنند، و آنها که پیرامون آنها، به سپاس پروردگارشان تسبیح می گویند و به او ایمان دارند و برای کسانی که گرویده اند، طلب آمرزش می کنند.

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): مَنْ خَرَجَ مِنْ يَتِيهِ يَطْلُبُ عِلْمًا شَيْعَةً سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ.^۱

پیامبر خدا فرمود: هرکس از خانه خود برای طلب علم بیرون رود، هفتاد هزار فرشته او را مشایعت و برای او استغفار می کنند.

۱. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۷۰.

قال الباقر (عليه السلام): إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَلَائِكَةً مُّوَكَّلِينَ بِالصَّائِمِينَ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ إِلَى آخِرِهِ.^۱

امام باقر فرمود: برای خداوند فرشتگانی است که موکل شده‌اند که در ماه رمضان هر روز برای روزه‌داران استغفار کنند.

قال الصادق (عليه السلام): مَنْ عَادَ مَرِيضاً شَيْعَةً سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ.^۲

امام صادق فرمود: هرکس مریضی را عیادت کند، هفتاد هزار فرشته او را مشایعت و برای او استغفار می‌کنند. مطلب دیگر این که استغفار حتی در این دنیا آثار و برکاتی دارد و باعث گشایش در زندگی و وسعت روزی می‌شود. این موضوع در آیات و روایات متعددی منعکس شده است، از جمله:

«قُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا. يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا. وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا» (نوح، ۱۰-۱۲)

(از زبان نوح) و گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره آمرزنده است. تا بر شما از آسمان باران پی - درپی فرستد. و شما را به اموال و پسران، یاری کند، و برایتان باغ‌ها قرار دهد و نهرها برای شما پدید آورد.

قال علي (عليه السلام): وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ سَبْحَانَهُ الْإِسْتِغْفَارَ سَبَبًا لِدُرُورِ الرِّزْقِ وَرَحْمَةً الْخَلْقِ.^۳

امیرالمؤمنین فرمود: خداوند استغفار را سبب فراوانی روزی و رحمت برای مردم قرار داده است.

قال الصادق (عليه السلام): وَإِذَا اسْتَبْطَأْتَ الرِّزْقَ فَأَكْثِرْ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ.^۴

امام صادق فرمود: هرگاه که روزی تو کند شد، بسیار استغفار کن.

چکیده

در صدر اسلام، مؤمنینی که بعضی از خویشان آن‌ها مشرک از دنیا رفته بودند، از سر دل‌سوزی، برای آنان از خدا طلب آمرزش می‌کردند. با نزول آیتی خداوند مؤمنین را از طلب استغفار برای مشرکینی که با شرک به خدا از این دنیا رفته‌اند و یقین به شرک آن‌ها می‌رود، نهی کرد، اگرچه نسبت خویشاوندی بین آن‌ها برقرار باشد. این آیات در مورد حضرت ابراهیم می‌باشد که ایشان به آزر وعده استغفار داده بود، درحالی که او به حالت شرک باقی ماند و

۱. امانی صدوق، ص ۷۴.

۲. الکافی، ج ۳، ص ۱۲۰.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹.

۴. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۲۶.



ابراهیم پس از یقین به شرک او، از وی بیزاری جست و دیگر برای او طلب آمرزش نکرد. البته کسی که ابراهیم به خاطر مشرک بودنش از وی تبری جست، پدر واقعی و صلبی او نبود؛ زیرا در آیاتی دیگر ابراهیم بر پدرش استغفار کرد که از این آیات فهمیده می‌شود، پدر واقعی او کسی دیگر بوده است. هم‌چنین استغفار مفهوم وسیعی دارد، که علاوه بر گناه و خطا، هر نوع قصور و تقصیر، و ترک اولائی که سر زده حتی طلب آمرزش از کارهای خیری که انجام داده، درحالی که می‌توانست بهتر از آن انجام بدهد را شامل می‌شود.

